

ارنست کاسیر

فلسفه صورتهای سمبلیک



جلد دوم: اندیشه اسطوره‌ای

ترجمهٔ یدالله موقن

فهرست

۱	پیشگفتار مترجم
۲۳	یادداشت چارلز هندل
۳۱	پیشگفتار مؤلف
۴۱	دیباچه: مسئله «فلسفه اسطوره‌شناسی»

بخش یکم: اسطوره به منزله فرمی از اندیشه

۷۹	فصل یکم: خصلت آگاهی اسطوره‌ای از شیء (ابژه) و جهت‌گیری آن
۱۲۱	فصل دوم: مقولات و ویژه‌اندیشه اسطوره‌ای

بخش دوم: اسطوره به منزله شکلی از شهود

ساختار و مفصل‌بندی جهان زمان و فضا در آگاهی اسطوره‌ای

۱۳۹	فصل یکم: تقابل اساسی
۱۵۲	فصل دوم: مبانی نظریه‌ای درباره فرمهای اسطوره‌ای: فضا، زمان، عدد
۱۵۲	۱. مفصل‌بندی فضا در آگاهی اسطوره‌ای
۱۶۵	۲. فضا و روشنایی، مسئله سمت‌گیری
۱۷۹	۳. مفهوم اسطوره‌ای زمان
۱۹۸	۴. شکل‌گیری زمان در آگاهی اسطوره‌ای و دینی
۲۲۶	۵. عدد اسطوره‌ای و دستگاه اعداد مقدس

یادداشت چارلز هندل

سازمان اسطوره‌ای دومین مجلد از دوره سه جلدی فلسفه صورتهای سمبلیک است که تحت در سال ۱۹۲۵ به چاپ رسید و اخیراً (۱۹۵۳) مؤسسه‌های انتشاراتی ویسنس-تافتلیشه بوخ گماین شافت (Die Wissenschaftliche Buchgemeinschaft) در ر-مشتات (Darmstadt) و برونو کاسیرر (Bruno Cassirer) در آکسفورد (Oxford) مشترکاً آن را تجدید چاپ کرده‌اند.

نگارنده بر ترجمه [انگلیسی] جلد نخست فلسفه صورتهای سمبلیک: زبان مقدمه‌ای نوشته که در آن رابطه میان فلسفه صورتهای سمبلیک را با دیگر آثار کاسیرر شرح داده و اهمیت آن را در کل مجموعه آثار کاسیرر بررسی کرده است؛ آن مقدمه مختص جلد نخست نیست بلکه مقدمه‌ای است بر سه جلد فلسفه صورتهای سمبلیک. آن مقدمه رساله‌ای تفسیری است و بیش از هر چیز کوششی است برای دادن پیشرفت خلاق ذهن کاسیرر؛ یعنی می‌کوشد تا «منابع الهام بخش علمی را که کاسیرر ذکر می‌کند در ارتباط با دستیابی او به برداشت شاخصی از فرم سمبلیک بررسی نماید. بدین منظور دیگر نوشته‌های او، چه پیش از کتاب فلسفه صورتهای سمبلیک، چه پس از آن نیز مد نظر قرار گرفته‌اند تا در بررسی چگونگی تکاملگیری جهان‌بینی کاسیرر یاری بخش باشند؛ و بدین طریق شاهکار کاسیرر یعنی فلسفه صورتهای سمبلیک [را تفسیر کرده است؛ سپس جسارت ورزیده اهمیت آن را در بخش پایانی مقدمه مذکور تحت عنوان «نتایج نظریات کاسیرر بر فلسفه» نشان داده است. اما کل مقدمه مذکور ادعایی بیش از «یک تفسیر سمبلیک» ندارد و به خواننده این اثر توصیه می‌شود که تفسیرهای مختلفی را در کتاب فلسفه ارنست کاسیرر (۱۹۴۹) (در مجموعه کتابخانه فیلسوفان جدید و ویراستاری پل آرتور شیلپ) ارائه شده‌اند.

در پیشگفتار کنونی بایسته است که نکته‌ای را به یاد آوریم که در مقدمه‌ای که بر جلد نخست این اثر نوشته‌بودم متذکر شده‌ام. در آنجا گفته‌ام که امکانات نظریه کاسیرر با انتشار فلسفه صورتهای سمبلیک هنوز «کاملاً هویدا نشده بودند.» (ص xi)؛ زیرا همچنان که کاسیرر در کتاب رساله‌ای دربارهٔ بشر (۱۹۴۹) می‌گوید با انتشار فلسفه صورتهای سمبلیک به هدفش یعنی «پدیدارشناسی فرهنگ انسانی» دست نیافته بود (رساله‌ای دربارهٔ بشر، ص ۵۲). به دیگر سخن فلسفه او نظام تکمیل شده‌ای نبود، گرچه ممکن است به کارگیری اصطلاح «پدیدارشناسی» از سوی کاسیرر و تمجیدی که در این کتاب از هدف هگل در کتاب مشهورش پدیدارشناسی روح می‌کند، خواننده را به این تصور غلط رهنمون کند که کاسیرر نیز می‌خواسته است نظام فلسفی کاملی، مانند نظام فلسفی هگل بیافریند. مسلماً کاسیرر چنین هدفی در سر نداشته است و این نکته مهم را باید همواره در نظر داشت. در هر یک از سه جلد این اثر، کاسیرر نقش و معنای فرم سمبلیک را در محتوای خاصی؛ یعنی در ارتباط با پدیدارهای زبان، اسطوره و علم بررسی می‌کند. گرچه هر جلد از فلسفه صورتهای سمبلیک در بررسی موضوع خود کامل، سیستماتیک و جامع است اما مجموعه این سه مجلد همه قلمروهای فرهنگ را در بر نمی‌گیرد. از این رو باید نکته‌ای را که خود کاسیرر در مجلهٔ تئوریا^۱ متذکر شده است به خاطر داشت. او در آنجا گفته است:

فلسفه صورتهای سمبلیک نمی‌تواند و نمی‌کوشد که یک نظام فلسفی باشد... همه آنچه این اثر می‌کوشد انجام دهد این است که «درآمدی» به فلسفه فرهنگ باشد، فلسفه‌ای که شاید آیندگان آن را تدوین کنند.^۲

واژه «درآمدی»، اندیشه خواننده را از هگل به کانت، مؤلف درآمدی بر هرگونه متافیزیک که در آینده به عنوان علم ارائه شود، معطوف می‌دارد. اما کاسیرر در بیان نکته اخیر اصطلاحاتی به کار می‌برد که تداعیهای تاریخی دیگری نیز به همراه می‌آورد، وی ادامه می‌دهد:

1. *Theoria*

2. *Theoria* (1938), p. 173.

این عبارت را کارل هامبورگ در کتاب فلسفه ارنست کاسیرر نقل و ترجمه کرده است.